



چرخش هند به سوی اروپا

سیاست خارجی هند از دیرباز بر نوعی موازنه محتاطانه استوار بوده است: نزدیکی تدریجی به آمریکا بدون کنار گذاشتن کامل اصل عدم تعهد. این رویکرد که هندی‌ها آن را «چندجانبه‌گرایی» می‌خوانند، برای دهلی‌نو سرمایه‌گذاری، فناوری و همکاری‌های دفاعی به ارمغان آورده است. اما با بازگشت دونالد ترامپ به قدرت و رفتارهای غیرقابل‌پیش‌بینی او، این استراتژی با چالشی جدی روبه‌رو شده و هند را به ارزیابی مجدد شرکای خود واداشته است.

دو عامل اصلی، محاسبات استراتژیک هند را تغییر داده‌اند. نخست، رقابت فزاینده با چین. تنش‌های مرزی مرگبار در سال ۲۰۲۰ و نفوذ روزافزون پکن در جنوب آسیا، به‌ویژه از طریق اتحاد با پاکستان، چین را از یک رقیب محتاط به یک تهدید امنیتی اصلی برای هند تبدیل کرده است. دوم، غیرقابل اعتماد بودن آمریکا در دوره ترامپ. وضع تعرفه‌های سنگین، مداخله‌های دیپلماتیک ناخوشایند در مناقشات هند و پاکستان، و تضعیف نهادهای دولتی در واشنگتن، این پیام را به دهلی‌نودهاده است که تکیه انحصاری بر آمریکا، قمار پرخطر است.

این وضعیت، هند را به سمت تقویت سیاست «چندجانبه‌گرایی» سوق می‌دهد: حفظ روابط با قدرت‌های مختلف، از جمله روسیه و حتی تلاش برای کاهش تنش با چین. با این حال، تکیه بر روسیه که قدرتی رو به افول و درگیر جنگ اوکراین است، یا وابستگی بیشتر به چین که اصلی‌ترین رقیب استراتژیک هند محسوب می‌شود، راه‌حل‌های پایداری نیستند. در این میان، اروپا به عنوان یک مسیر جایگزین و امیدوارکننده ظهور می‌کند.

اروپا می‌تواند به هند کمک کند تا بدون تشدید تنش با چین یا تضعیف چشم‌انداز نظم چندقطبی، ریسک‌های خود را متعادل سازد. این قاره، سرمایه، فناوری‌های پیشرفته دفاعی و صنعتی، و زنجیره‌های تأمین متنوعی را ارائه می‌دهد که می‌تواند وابستگی اقتصادی هند به چین را کاهش دهد.

تاکنون روابط هندو اروپا به دلیل بوروکراسی‌های ناسازگار و تفاوت در اولویت‌ها، هرگز به پتانسیل کامل خود نرسیده است. اما شرایط جهانی در حال تغییر است. نگرانی‌های مشترک درباره شیوه‌های تجاری چین و غیرقابل‌پیش‌بینی بودن آمریکا، دهلی‌نو و بروکسل را به هم نزدیک‌تر کرده است. علاوه بر این، واکنش قاطع اروپا به جنگ اوکراین و سرمایه‌گذاری سنگین در توانمندی‌های دفاعی و استقلال استراتژیک، آن را به یک بازیگر ژئوپلیتیکی جدی‌تر در نگاه هند تبدیل کرده است. این تحول، زمینه را برای یک همکاری برابر و مبتنی بر منافع متقابل فراهم می‌کند، نه سخنرانی‌های ارزشی.

البته این مسیر بدون مانع نیست. هند برای تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ با چالش‌های داخلی و خارجی روبه‌روست. درگیری‌های منطقه‌ای با چین و پاکستان، محدودیت‌های اقتصادی در مقایسه با چین، و چالش‌های حکمرانی داخلی از جمله تنش‌های قومی و مذهبی ناشی از سیاست‌های ملی‌گرایانه هندو، موانعی جدی بر سر راه توسعه پایدار و نفوذ جهانی هند هستند.

با این وجود، پتانسیل اقتصادی هند با جمعیت جوان و طبقه متوسط رو به رشد، توانمندی‌های فناورانه در حوزه‌هایی مانند هوش مصنوعی و زیرساخت دیجیتال، و نقش رهبری آن در میان کشورهای «جنوب جهانی»، آن را به یک شریک بسیار جذاب تبدیل کرده است.

آشفته‌گی کنونی در نظم جهانی، برای هند بیش از آنکه تهدید باشد، یک فرصت است. بازگشت ترامپ و رقابت با چین، شرایطی را فراهم کرده که در آن، یک شراکت عمیق‌تر میان هند و اروپا نه تنها ممکن، بلکه ضروری به نظر می‌رسد. هر دو طرف با چالش یک آمریکای دمدمی‌مراج و یک چین قاطع روبه‌رو هستند. بهره‌برداری از این فرصت نیازمند آن است که اروپا درک پیچیده‌تری از جهان‌بینی هند پیدا کند و به‌طور قاطع برای ایجاد یک شراکت اقتصادی، فناورانه و امنیتی عمل کند. این پنجره فرصت، ممکن است برای همیشه باز نماند، و اکنون زمان آن است که دو قطب بزرگ جهان چندقطبی آینده، پایه‌های یک همکاری استراتژیک را بنهند.



محمدحسین لطف‌آلهی

خبرنگار بین‌الملل

سیاستین لکونرو، نخست‌وزیر فرانسه، صبح روز دوشنبه ۶ اکتبر تنها چند ساعت پس از معرفی اعضای کابینه از جایگاه خود استعفا داد تا برای ششمین بار از زمان آغاز دور دوم ریاست جمهوری، امانوئل مکرون مجبور به انتخاب گزینه‌ای جدید برای نخست‌وزیری شود.

ساعاتی بعد از این استعفا، دفتر امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در بیانیه‌ای کوتاه اعلام کرد که استعفا لکونرو و وزرای او پذیرفته شده است.

لکونرو، از متحدان قدیمی مکرون که پیش از نخست‌وزیری به‌عنوان وزیر دفاع در کابینه حضور داشت، پس از استعفا گفت که قادر به اداره دولتی راست‌میانه و با حمایت حداقلی پارلمان نیست: «من آماده سازش و شنیدن خواسته‌ها و شرایط احزاب مختلف بودم اما هر حزب سیاسی به شیوه‌ای رفتار می‌کند که گویا اکثریت پارلمان را به تنهایی در اختیار دارد.»

ترکیب کابینه جدید که نخستین جلسه آن قرار بود عصر روز دوشنبه برگزار شود، بسیاری از مخالفان و حتی متحدان رئیس‌جمهور فرانسه را خشمگین کرده بود. از نگاه آن‌ها، به‌رغم اینکه لکونرو وعده داده بود مسیری متفاوت از مسیر فرانسوا بایرو، نخست‌وزیر پیشین فرانسه را در پیش بگیرد، بسیاری از وزرای خود را از میان وزرای او انتخاب کرده بود. از میان ۱۸ وزیر معرفی شده، ۱۲ نفر پیش‌تر در دولت «فرانسوا بایرو» که در ۸ سپتامبر از قدرت برکنار شد، سمت‌هایی مشابه بر عهده داشتند.

به نوشته خبرگزاری فرانس ۲۴، یکی از مهم‌ترین اختلافات میان لکونرو و پارلمان فرانسه به انتخاب برونو لومر، وزیر سابق اقتصاد و دارایی این کشور به‌عنوان وزیر دفاع بازمی‌گشت. منتقدان معتقد بودند که عملکرد ضعیف لومر به‌عنوان وزیر اقتصاد یکی از مهم‌ترین عوامل وضعیت اقتصادی نامطلوب امروز فرانسه است. به‌رغم کناره‌گیری لکونرو از مقام نخست‌وزیری، مکرون او را موظف کرد که تا پایان روز چهارشنبه مأموریت هدایت مذاکرات با احزاب سیاسی مختلف در پارلمان را به منظور «تعریف یک پلتفرم جدید برای برقراری ثبات در کشور» بر عهده گیرد.

▼ چالش بزرگ بودجه و مشکلات اقتصادی

سیاستین لکونرو در اوایل سپتامبر و در شرایطی به‌عنوان نخست‌وزیر منصوب شد که نارضایتی عمومی از وضعیت ناپس‌امان اقتصاد فرانسه به اوج رسیده بود. دلیل این نارضایتی، شکست پی‌درپی دولت‌های قبلی در تصویب بودجه‌هایی بود که شامل اصلاحات ضروری مانند کاهش هزینه‌ها و افزایش مالیات‌ها می‌شد.

فرانسه با مشکلات اقتصادی جدی روبه‌روست؛ کسری بودجه این کشور در سال ۲۰۲۴ به ۵/۸ درصد و حجم بدهی‌های آن به ۱۱۳ درصد از تولید ناخالص داخلی رسیده است. این ارقام بسیار فراتر از سقف تعیین شده توسط اتحادیه اروپا است که کسری بودجه را کمتر از ۳ درصد و حجم بدهی را کمتر از ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی مجاز می‌داند.

این وضعیت باعث شده تا اعتبار اقتصادی فرانسه نیز خدشه‌دار شود. ماه گذشته، موسسه اعتبارسنجی «فیچ» رتبه اعتباری فرانسه را کاهش داد و انتظار می‌رود موسسه «مودی» نیز در پایان ماه اکتبر اقدامی مشابه انجام دهد.

لکونرو در پی ناکامی فرانسوا بایرو، نخست‌وزیر پیشین برای دستیابی به توافق با پارلمان بر سر لایحه بودجه و در نهایت کناره‌گیری او، مأموریت یافته بود تا با تشکیل کابینه جدید و مذاکره با پارلمان بر سر بودجه، این مشکل را حل کند اما در نهایت او نیز پس از ۲۷ روز از شروع به کار خود کناره‌گیری کرد تا امیدها برای اصلاح وضعیت اقتصادی کم‌رنگ شود. واکنش بازارهای مالی نشان‌دهنده اهمی از این ناامیدی بود؛ سود اوراق قرضه ۳۰ ساله دولتی به بالاترین حد خود در یک ماه اخیر یعنی ۴/۴۴۱ درصد رسید و سود اوراق قرضه ۱۰ ساله نیز به رکورد ۱۰ روزه خود یعنی ۳/۵۹۹ درصد افزایش یافت. هم‌زمان، شاخص اصلی بورس فرانسه (CAC ۴۰) ۱/۶ درصد سقوط کرد و ارزش یورو در برابر دلار ۰/۷ درصد کاهش یافت.

▼ همه چیز از پیروزی شکننده مکرون شروع شد

قوه مقننه در فرانسه از دو مجلس ملی و مجلس سنا تشکیل می‌شود. نمایندگان مجلس ملی یا پارلمان فرانسه همانند رئیس‌جمهور مستقیماً از سوی مردم انتخاب می‌شوند.

نخست‌وزیر و وزرای کابینه به مجلس ملی پاسخگو هستند و بیشتر امور داخلی در فرانسه از جمله موضوعات اقتصادی و بودجه زیر نظر نخست‌وزیری اداره می‌شود. با این حال، آن‌ها را رئیس‌جمهور که قدرت اجرایی ویژه‌ای در ساختار فرانسه دارد مستقیماً منصوب می‌کند.

در بیشتر موارد، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر در فرانسه

تنها ۳ ماه زمان نیاز بود که این اختلافات میان دولت و پارلمان به رأی عدم اعتماد به کابینه و در نهایت استعفاي نخست‌وزیر منجر شود. از اواخر نوامبر ۲۰۲۴ بحث‌ها میان میشل بارنیه و پارلمان بر سر لایحه بودجه بالا گرفته بود و هم

اتحاد چپ‌ها و هم‌نمایندگان اجتماع ملی از بودجه‌ای که او به مجلس ملی ارائه کرده بود، ناراضی بودند

چهره‌های سیاسی هم‌سو به حساب می‌آمدند چراکه انتخابات پارلمانی هر ۵ سال یک بار با فاصله کوتاهی نسبت به انتخابات ریاست جمهوری برگزار می‌شد و عموماً فرد پیروز در انتخابات ریاست جمهوری می‌توانست هوادارانش را قانع کند که به ائتلاف مدنظر او در انتخابات پارلمانی رای دهند. این شرایط چنانچه در دوره نخست ریاست جمهوری مکرون هم پیش آمد، به رئیس‌جمهور اجازه می‌داد تا نخست‌وزیری هم‌سو با خود را معرفی کند.

با این وجود، ائتلاف‌های شکننده منجر به پیروزی مکرون در آخرین انتخابات ریاست جمهوری و تصمیم او برای برگزاری انتخابات پارلمانی زودهنگام این چرخه را به هم زد و انتخاب نخست‌وزیری را که هم از نگاه خود او و هم از نگاه اکثریت نمایندگان مجلس ملی فردی قابل قبول باشد به کاری بسیار سخت تبدیل کرد.

انتخاب فردی که نمایندگان با او موافق نباشند باعث می‌شود نخست‌وزیر نتواند لوابح مهم دولت را به تصویب پارلمان برساند و در صورتی که بخواهد با اختیارات ویژه اجرایی دولت این لوابح را اجرایی کند، با رای عدم اعتماد نمایندگان مواجه و مجبور به استعفا می‌شود.

نقطه شروع این بحران‌های سیاسی اخیر در فرانسه به ژوئن ۲۰۲۴ بازمی‌گردد؛ زمانی که مکرون در پی اختلافات با پارلمان، از اختیارات خود استفاده و پارلمان را منحل کرد تا با برگزاری انتخابات زودهنگام بتواند تسلط بیشتری بر این نهاد پیدا کند. با این وجود، شرایط طبق خواسته رئیس‌جمهور فرانسه پیش نرفت؛ در دور اول انتخابات پارلمانی جریان‌های راست افراطی به رهبری اجتماع ملی (جبهه ملی سابق) پیروزی‌های خیره‌کننده‌ای کسب کرد و مکرون که شکست را بسیار نزدیک می‌دید، به همراه احزاب راست میانه دست همکاری به سوی ائتلاف چپ‌گرایان دراز کرد و با همکاری آن‌ها توانست از اکثریت یافتن راست افراطی در پارلمان جلوگیری کند.

در پایان این انتخابات، براساس گزارش لوموند، جبهه مردمی جدید- ائتلافی از احزاب چپ‌گرا شامل فرانسه تسلیم‌ناپذیر، سبزها، سوسیالیست‌ها، کمونیست‌ها و تروتسکیست‌ها- موفق شد در این انتخابات ۱۹۳ کرسی

از مجموع ۵۷۷ کرسی پارلمان را از آن خود کند. ائتلاف راست میانه (حامیان مکرون) موفق شد حائز ۱۶۶ کرسی شود و اجتماع ملی به رهبری مارین لوپن نیز با ۱۴۲ کرسی در جایگاه سوم قرار گرفت. درحالی‌که چپ‌گرایان انتظار داشتند به پاس این همکاری، نخست‌وزیر از میان آن‌ها انتخاب شود، مکرون ترجیح داد پس از انتخابات اتحادی با برخی از نمایندگان محافظه‌کار تشکیل دهد و نخست‌وزیر را از میان راست‌گرایان معرفی کند.

انتخاب میشل بارنیه به‌عنوان نخست‌وزیر، روابط راست میانه با چپ‌گرایان را به کلی تحت تأثیر قرار داد و مکرون با ناراضی کردن چپ‌گرایان خود را در موقعیتی قرار داد که تنها ۳ ماه زمان نیاز بود که این اختلافات میان دولت و پارلمان به رای عدم اعتماد به کابینه و در نهایت استعفاي نخست‌وزیر منجر شود. از اواخر نوامبر ۲۰۲۴ بحث‌ها میان میشل بارنیه و پارلمان بر سر لایحه بودجه بالا گرفته بود و هم ائتلاف چپ‌ها و هم نمایندگان اجتماع ملی از بودجه‌ای که او به مجلس ملی ارائه کرده بود، ناراضی بودند.

پس از آنکه نخست‌وزیر فرانسه لایحه بودجه این کشور را با دور زدن مجلس ملی و بدون دریافت موافقت نهایی نمایندگان به تصویب رساند، بارنیه و دولتش با دو طرح عدم اعتماد (یکی از سوی ائتلاف چپ‌گرایان یعنی جبهه مردمی جدید و دیگری از سوی اجتماع ملی) روبه‌رو شدند که هر دو آن‌ها به سرعت هم وصول شد. برای تصویب عدم اعتماد به دولت، باید اکثریت مطلق، یعنی بیش از نیمی از تعداد کل قانونگذاران در مجلس ملی فرانسه با آن موافقت کنند که حد نصاب فعلی ۲۸۸ رای است.

چنانچه توضیح داده شد هیچ حزبی آرای لازم را برای به تصویب رساندن طرح عدم اعتماد به دولت نداشت. جریان چپ از حمایت از طرح عدم اعتماد به رهبری گروه‌های راست افراطی خودداری کرد و اجتماع ملی با شکست مواجه شد. اما اجتماع ملی از قبل اعلام کرده بود که در حمایت از طرح جناح چپ هیچ تردیدی ندارد، بنابراین از قبل انتظار آن می‌رفت که حدود ۳۳۰ رای به

